

زبان و نسبت آن با تکنولوژی در فلسفه هایدرگر

سید محمد مهدی موسوی مهر*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۶/۳۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۹/۱۶

DOI: 10.22096/ek.2020.108106.1144

چکیده

هایدرگر در همه ادوار اندیشه خود به مقولات زبان و تکنولوژی توجه خاصی دارد. در این مقاله نشان داده شده است که نوع برداشت و تلقی هایدرگر از این دو مقوله ظرفیت بررسی هم‌ارز این دو را ایجاد می‌کند. برای این منظور ابتدا نسبت زبان با تفکر و هستی مطرح شده، سپس تفاوت زبان سنتی با زبان تکنولوژیکی و نیز نحوه صحیح سلوک با تکنولوژی از منظر هایدرگر بیان شده است. در نظر او، باید به زبان طبیعی و زبان سنتی آری گفت که تاریخمند و اصیل است، امری مقدر که هستی در آن «رخ» می‌نماید. این زبان ماندگار است و از امکانات زبان محافظت می‌کند. در مقابل، زبان منفی همان زبان تکنولوژی است که زبانی منطقی، گرفتار در روزمرگی و تحت دیکتاتوری عموم و علوم طبیعی است و وظیفه آن فراهم آوردن نشانه‌ها است. بر این نگاه راهگشای هایدرگر نقدهایی وارد است که در مقاله مطرح شده‌اند.

واژگان کلیدی: هایدرگر؛ تکنولوژی؛ نسبت زبان و تکنولوژی؛ زبان تکنولوژیکی.

بیان مسئله

در نظام فلسفی هایدگر زبان جایگاه ویژه‌ای دارد. تأکید بر زبان در فلسفه هایدگر تا جایی است که حذف زبان از اندیشه او نظام فلسفی او را ابتر می‌کند. البته هایدگر نگاه رایج و معمول به زبان را کمتر مورد توجه قرار داده و همواره پیوندی وثیق میان هستی، تفکر و زبان برقرار کرده است. شاید اهمیت این مطلب را بتوان با بیانی که در اثر گشت (Turning The) آمده روشن‌تر کرد:

زبان ساحتی اصیل است که از طریق آن ذات انسانی نخست قادر است با هستی مطابق شود و این تطابق به هستی تعلق یابد. این مطابقت اصلی همان تفکر است. از طریق تفکر ما ابتدا می‌آموزیم که ساکن در قلمروی شویم که از غلبه هستی ذخیره‌شونده در تقدیر هستی بگذریم. (Heidegger, 1997: 41)

هایدگر چنین جایگاه ویژه‌ای را برای زبان قائل است. اینکه زبان بتواند با تکنولوژی هم نسبت برقرار کند، در نگاه اول تا حدودی عجیب و البته جالب می‌نماید؛ اما به نظر می‌رسد که هایدگر چنین نسبتی را برقرار کرده است. نسبت زبان و تکنولوژی امری است که می‌توان در دوره دوم (یا به قولی سوم) اندیشه هایدگر طرح کرد.

شاید بتوان منشأ این توانمندی اندیشه هایدگر را به شیوه او در طرح مسئله مرتبط دانست. وقتی هایدگر تأکید دارد که باید به فهم دقیق‌تر و بهتری از «ذات تکنولوژی» (نه ابزار تکنولوژی) رسید و این تأکید را در جانب زبان (زبان به عنوان مبداء تفکر، نه ابزار تفکر) مطرح می‌کند، این می‌شود که در نظام فکری هایدگر زبان و تکنولوژی با ادبیاتی متفاوت و در فضایی متفاوت مطرح می‌شود و چنین ظرفیتی را در تفکر هایدگر ایجاد می‌کند که او بتواند زبان و تکنولوژی را در کنار هم قرار دهد و درباره نسبت آن‌ها با یکدیگر صحبت کند. شاید دقیق‌تر این باشد که با توجه به نوع تفکر هایدگر درباره تکنولوژی این را بگوییم که هایدگر فهم زبان را در بستر فهم تکنولوژی مقدور می‌داند.

مشهور است که هایدگر در بخش دوم وجود و زمان (که هیچ‌گاه موفق به تألیف آن نشد) قصد داشت از این موضوعات سخن بگوید. به‌درستی نمی‌توان گفت که اگر هایدگر این بخش دوم را

زبان و نسبت آن با تکنولوژی در فلسفه هایدگر / موسوی مهر ۱۹۳

می‌نوشت تا چه اندازه با آثار موجود در دوره دوم اندیشه او تفاوت پیدا می‌کرد. شاید بسیاری از مطالبی که هایدگر، به عنوان یک فیلسوف وجودی، می‌توانست در آنجا بیاورد همین‌هایی می‌شد که امروز در دسترس ما است و با نگاه به نوشته‌های موجود هایدگر می‌توان همان دیدگاه ارائه شده را مشاهده کرد.

علاوه بر این، در مورد ادوار اندیشه هایدگر و تقسیم‌بندی‌های ارائه شده از آن نباید تمایز بنیادینی را در نظر گرفت که مثلاً در مورد متفکرانی همچون وینگشتاین لحاظ می‌شود. اساساً تفکر هایدگر تفکری درهم‌تنیده است که تفکیک عناصر آن به فهم دقیق آن لطمه خواهد زد. بر همین اساس، در این مقاله سعی بر آن است که ابتدا نسبت زبان با تفکر و هستی، سپس تفاوت زبان سنتی با زبان تکنولوژیکی را مطرح کنیم و پس از آن تبیینی از زبان تکنولوژیکی ارائه دهیم و در نهایت جنبه‌هایی از زبان، که توجه به آن باعث خواهد شد کاربرد صحیحی از زبان داشته باشیم، را بیاوریم.

زبان، هستی و تفکر

هنگامی که هایدگر از زبان بحث می‌کند روشن است که نمی‌خواهد به طریق رایج از زبان سخن بگوید، بلکه غرضی خاص دارد. به طور معمول غالباً برای زبان کاربردهایی را مانند ابزار ارتباط، انتقال‌دهنده اطلاعات، فعالیت انسانی و نمودارکننده حق و باطل مطرح می‌کنند؛ اما در نظر هایدگر، زبان به معنای وسیع کلمه نه تنها به زبان گفتاری و نوشتاری، بلکه چون مفصل‌بندی گشوده هستی «رخ» می‌دهد. یعنی باید برای زبان شأنی بسیار مهم قائل بود و آن اینکه زبان ساختار هستی را می‌گشاید. غالباً این‌گونه تصور می‌شود که هایدگر در دوره اول اندیشه خود به زبان توجه ندارد؛ اما حقیقت این است که این توجه حتی در دوره اول نیز وجود دارد و روشن است که در دوره دوم توجه هایدگر به زبان بسیار جدی‌تر است.

مایکل اینوود در فرهنگ لغات هایدگر سه دوره زبانی برای هایدگر در نظر می‌گیرد. نگاه هایدگر در دوره اول ابزاری است، یعنی زبان ابزاری برای بیان مقصود است که البته این دوره مبتنی بر همان نگاه معمول به زبان است. نظرات این دوره چندان جذابیتهایی ندارد و نوآوری ویژه‌ای، چنانکه عموماً در آرای هایدگر وجود دارد، در آن ملاحظه نمی‌شود. در دوره دوم، نگاه

هایدگر به زبان وجودی است که البته هنوز زبان امری آغازین نیست، به این بیان که زبان ابزار نیست، بلکه برقرارکننده نسبت وجودی است، اگرچه هنوز ایجادکننده این نسبت هم نیست. هایدگر در این دوره به اندازه کافی از نگاه معمول به زبان فاصله گرفته، اما هنوز آن نگاه ویژه خود را به کمال نرسانده است. در مرحله سوم، هایدگر زبان را امری وجودی و آغازگر معرفی می‌کند که هستی را شکل می‌دهد. در این مرحله است که هستی در زبان «رخ» می‌دهد و گشوده می‌شود. هستی اگرچه سازکار خود را دنبال می‌کند، زبان است که این سازکار در آن شکل می‌گیرد.

همان‌طور که گفته شد، این مراحل در ارتباط با یکدیگرند؛ برای نمونه، در بحث تحلیل ابزار می‌توان این توجه را ملاحظه کرد. آنجا که هایدگر می‌گوید:

کثرت ناشی از ویژگی ابزاری جهان در زبان ظاهر می‌شود. مثلاً یک درخت امکانات متعددی دارد، ولی با زبان به جنبه‌های ابزاری خاص مورد نظر اشاره می‌شود. یعنی زبان یک موجود پیش‌دستی را به یک ابزار تودستی تبدیل می‌کند. فکری که شنونده ندای هستی است از ساحت هستی کلامی را می‌طلبد تا به یاری آن، حقیقت هستی را به زبان آورد. زبان انسان تنها زمانی اصیل است که برخاسته از این کلام باشد و وقتی که زبان با معیار اصالت میزان شد، ندای بی‌صدای سرچشمه‌های نهانی که برای آن گواه است، آن را به زبان اشارت به سوی خود فرا می‌خواند. (هایدگر، ۱۳۸۳: ۲۰۷)

زبان، موجود را چون موجود به گشودگی می‌آورد. هر جا که ذات یک زبان در تحقق نباشد — چنانکه در هستی سنگ، گیاه و جانور — گشودگی موجود که سهل است، گشودگی ناموجود و خالی هم در کار نیست؛ پس زبان گشاینده هستی است. همین که زبان نخستین بار موجودی را می‌نامد، این نامیدن به موجود نام و تعیین می‌دهد. این گفتن فرافکندن نوری است که در آن به بیان درمی‌آید. موجود به چه عنوان گشوده می‌شود؟ فرافکندن درافکندن طرحی است از ناپوشیدگی [وجود] در موجود بما هو موجود. گفتن فرا افکن، ترک گفتن آشفتگی مبهمی است که موجود خود را در آن پوشیده می‌دارد و نهان می‌شود.^۱

۱. نک: هایدگر، ۱۳۸۵: ۵۳ - ۵۴؛ Heidegger, 1993b: 198-199.

زبان و نسبت آن با تکنولوژی در فلسفه هایدگر / موسوی مهر ۱۹۵

زبان از جنس فعالیت و به قول هایدگر انرژی است (Energia). «هر گفته‌ای برآمده از گفت بی‌صدای او است» و از اینجا است که روشن می‌شود زبان امری پویا و فعال است. شاید بیان هایدگر در سرآغاز اثر هنری تا حدودی روشن‌تر باشد. او در این اثر، کار هنری را صحنه‌پیکار مستوری و نامستوری می‌داند. به نظر هایدگر، عمل زبان بازگویی نیست، بلکه صحنه‌گردانی این پیکار است. به این ترتیب، تعبیر به زبان درآوردن (Zur Sprach Bringen / Bring to Language) باید به معنای کاملاً تحت‌اللفظی گرفته شود. هستی با روشن شدنش به زبان می‌آید. هستی همواره به سوی زبان در راه است. این آمدن به نوبه خود اندیشه برون را در گفتنش به زبان درمی‌آورد. از این رو خود زبان در روشنایی هستی ارتقا یافته است و زبان فقط به این نحوه رازآمیز حاکم بر ما است.

بر این مبنا، آنچه به بیان هایدگری اعطا گفته می‌شود و بر اساس آن هستی اظهار می‌شود، بستر اظهار هستی که همان رویداد است، و در حقیقت روح زبان هم که همین هم‌زمانی و محادته است، همه با زبان اتفاق می‌افتند و از شئون زبانند.

تأکید بر زبان لزوماً به معنای توجه هایدگر به سخن گفتن نیست، بلکه شاید در مواردی سکوت بلندترین فریاد باشد و سکوت به هیچ وجه بی‌صدایی صرف نیست.^۱ اساساً با دامن زدن به پرگویی درباره حقیقت هستی و تاریخ هستی، موضوع اندیشه به دست نمی‌آید. مسئله مهم این است که حقیقت هستی به زبان آید و اندیشه به این زبان دست یابد؛ بنابراین در مواقعی زبان بیش از آنکه خواستار اصطلاحات شتابزده باشد، طالب سکوت بجا است.

زبان چه ربطی با دازاین پیدا می‌کند؟ هایدگر معتقد است که زبان زبان به دازاین اختصاص دارد و جدانشدنی از آن است. زبان یک نوع عرضه وجود است که انسان در آن خودش را بیان می‌کند، یعنی هستی تنها با ابزار زبان، خودش را در جهان بیان می‌کند و نیز ارتباط و تفاهم او با دیگران تنها از طریق زبان است. «(زبان نزدیک‌ترین همسایه بودن انسان است.)» (هایدگر، ۱۳۸۹: ۷۶) پس در تفکر هایدگر، تحلیل زبان با تحلیل وجودی پیوستگی ذاتی پیدا می‌کند تا آنجا که او در افکار متأخر خود معتقد می‌شود که انسان خودش را در زبان بیان می‌کند یا پیش‌تر می‌رود و می‌گوید:

۱. نک: هایدگر، ۱۳۸۹: ۹۶.

خود زبان سخن می‌گوید؛ یعنی زبان صدای هستی است. انسان فقط موجود زنده‌ای نیست که در کنار قابلیت‌های دیگر زبان نیز دارد، بلکه زبان خانه هستی است. خانه‌ای که از هستی برآمده و با آن پیوند دارد. به همین دلیل مهم است که باید ذات زبان را در ارتباط با هستی و به مثابه این ارتباط، یعنی ماورای ذات انسان، بیندیشیم. (هایدگر، ۱۳۸۸: ۲۹۷؛ Heidegger, 1993a: 237)

زبان بنیاد وجود آدمی است و آدمی قبل از هر چیز در زبان و با زبان است و نیاز به اتخاذ طریقی در زبان ندارد؛ اما صد دریغ که انسان تصور می‌کند که ارباب زبان است و زبان برده او است و هرطور که بخواهد می‌تواند زبان را به کار گیرد، در حالی که وقتی شخص واقعاً به سخن گفتن اهتمام می‌کند، واقعاً او نیست که تعیین می‌کند چه می‌گوید، بلکه هستی برای او تعیین می‌کند. این ایمان به قوای زبان هرچند در تاریخ تفکر فلسفی بی‌نظیر نبوده است، دست‌کم می‌توانیم بگوییم که در جهان نو امری نامعمول است.

نکته مهم در نوع تلقی هایدگر از زبان این است که زبان صرف ادبیات و قواعد دستوری نیست، بلکه روش و سازکار اندیشه است، یعنی باید در اصل چنین جایگاهی داشته باشد و واجد سازکاری باشد که بر اساس آن تفکر و تعقل واقعی اتفاق می‌افتد. اگر از هایدگر سؤال شود که چه کسانی راه درست به‌کارگیری زبان را بلدند، پاسخ هایدگر این است که این کار از دست شاعران برمی‌آید. هایدگر چنین جایگاهی را به این دلیل به شاعران اعطا می‌کند که شاعران در این توهم به سر نمی‌برند که ارباب زبانند، بلکه رخصت می‌دهند زبان از طریق آنان سخن بگوید؛ چراکه توانایی‌های زبان بسیار بیش از آنی است که امروزه شناخته شده است و شاعران این ظرفیت‌ها را بروز می‌دهند.

با همه این تفصیلات، در دوران اخیر که دوران دوری از هستی اصیل است، به‌نوعی جدایی از زبان اصیل نیز اتفاق افتاده است. امروزه و در عصر تکنولوژی، زبان محصولی از زمان گذشته به شمار می‌رود، در حالی که زبان باید مخلوقی زنده در نظر گرفته شود؛ زبانی که در عصر هلنستیک نشانه «آنچه حاضر است» در نظر گرفته می‌شد، نه «آنچه به حضور آورده شود». (Heidegger, 1977: 118)

زبان و تکنولوژی

در بیان ارتباط زبان با تفکر باید به این جمله هایدگر دقت کنیم: «همه راه‌های تفکر به نحوی کم‌وبیش ملموس و به طریقی غیر معمول، از مسیر زبان عبور می‌کنند.» (هایدگر، ۱۳۷۵: ۱۷) این بیان صریح و شفاف در پرسش از تکنولوژی مطرح شده است و همین مسئله بیانگر اهمیت طرح موضوع زبان در فلسفه تکنولوژی است. از نظر هایدگر چه نسبتی میان زبان و تفکر می‌تواند وجود داشته باشد؟ پاسخ هایدگر صراحت کافی دارد. وجود در تفکر به زبان می‌آید و زبان خانه هستی است. انسان در خانه زبان سکنا دارد. شأن و جایگاه آنان که فکر می‌کنند (متفکران) و آنان که خالق کلماتند (شاعران)^۱ این است که نگاهی‌نان این خانه‌اند. نگاهی‌نان آنان به انجام رساندن گشودگی وجود است، از آن جهت که این گشودگی را با سخن خود بر زبان می‌آورند و در زبان نگه می‌دارند.^۲

هایدگر قدرتی را به زبان نسبت می‌دهد که فیلسوفان از زمان یونانیان تاکنون به ندرت با آن موافق بوده‌اند و شاید فقط ارسطو که گفت: «شیء آن چیزی است که می‌توان درباره‌اش سخن گفت» تا حدودی اهمیت بالای زبان را لحاظ کرده است. بنابراین اساساً تفکر و سخن گفتن امری واحدند و تفکر بنیادین که همان تفکر هستی است، همواره پاسبان کلام است. تفکر هستی اندیشناک کاربرد زبان است و البته تفکر متفکران نیز چیزی جز سخن گفتن نیست. هایدگر معتقد است که چون حقیقت «وجود» اندیشه‌برانگیز است و زبان خانه و منزلگاه وجود است، تأمل در زبان نباید صرفاً فلسفه زبان باشد، بلکه باید مقام دیگری داشته باشد.

گویا هایدگر متوجه است که بیان این سخنان ممکن است چندان به ذائقه انسان امروزی خوش نیاید؛ چراکه انسان امروز انسان عصر تکنولوژی است. انسانی است که هستی برای او به شکل تکنولوژیک اندیشیده و نمودار می‌شود و زبان هم در چهارچوب تکنولوژی فهم می‌شود. نکته اساسی در این بین این است که هایدگر به تکنولوژی نگاه درجه اولی دارد. به نظر او،

۱. هایدگر با توجه به جایگاهی که به زبان می‌دهد، اهل زبان حقیقی را نیز معمولاً شعرا می‌داند و چندان نظر مساعدی به سایر اهالی ادبیات و زبان ندارد.

۲. نک: هایدگر، ۱۳۸۸: ۲۸۲؛ ۲۱۷؛ Heidegger, 1993a.

۱۹۸ هستی و شناخت / سال ۶ / شماره ۱ / پیاپی ۱۱ / صص ۱۹۱-۲۰۸

وضعیت جهان امروز (بلکه از افلاطون تا به امروز) وضعیت تکنولوژیک است و زبان هم در این وضعیت گرفتار شده است.

تصوری که امروزه از زبان داریم دگرگونی بسیار یافته و البته به دنبال این تبدلات و دگرگونی‌ها است که زبان به شکل ابزار بیان مقاصد ظاهر شده است؛ در نتیجه، به جای اینکه گفته شود تفکر به عنوان مطابقت در خدمت زبان است، می‌گویند زبان در خدمت تفکر است. همین وضعیت مبین شرایط امروزی دنیای غرب است و تکنولوژی زاینده چنین اندیشه‌ای است. زبان دانش را از ما دریغ می‌کند و به ما نمی‌گوید که منزل و خانه وجود است و در مقابل، خود را به صورت ابزار تسلط بر موجودات درمی‌آورد.

در فلسفه تحلیلی معاصر که زبان را صوری می‌کند، هدف آن است که هرگونه استفاده از زبان طبیعی به شکل حساب محمولات درآید. به نظر هایدگر، حساب محمولات بر پایه حیثیت جملات و قضایا ساخته شده است. این کار ممکن است کار علوم را برای انجام پژوهش‌های تخصصی در یک حوزه آسان کند، اما مسلم است که نمی‌تواند ذات زبان را نشان دهد؛ چراکه اولاً ساختار موضوع - محمول نمی‌تواند کاشف ساختار التفاتی باشد که بر اساس حیث هرمنوتیک روزمرگی است و نمی‌تواند آن زبان غایتمند را به ما بنمایاند. ثانیاً حتی اگر با زبان بتوان اغراض و اهداف را بر حسب منطق موجهات بیان کرد، دلیلی ندارد که صوری کردن زبان بتواند زمینه‌های کامل درک و فهمیدن ما را - که در زبان ما جا دارد - دربرگیرد؛ زیرا زبان ابزاری نیست که در اختیار ما باشد، بلکه برعکس، به نظر هایدگر زبان بستری است که ما در آن خانه داریم و مأوا گزیده‌ایم.^۱

به نظر هایدگر، فلسفه تحلیلی همان مثال شاخص تبیین «متافیزیکی - تکنولوژیکی» (Metaphysical-Technological) زبان است که بر اساس چهارچوب حسابگرانه ذهن شکل می‌گیرد و استفاده کارنپ از اصطلاح «علمی تکنولوژیکی زبان» همین نکته را بیان می‌کند. در این شرایط است که دیگر زبان ابزار معرفت تکنولوژیکی است. متافیزیک، معرفت‌شناسی و فلسفه علم جدید چنین بلایی بر سر زبان می‌آورند و آن را از هستی خود ساقط می‌کنند. همه

۱. نک: خاتمی، ۱۳۸۱: ۹۲.

زبان و نسبت آن با تکنولوژی در فلسفه هایدگر / موسوی مهر ۱۹۹

این‌ها پایه‌های هستی‌شناختی تکنولوژی هستند که زبان را ویران می‌کنند و از بین می‌برند. ذکر این نکته در اینجا لازم است که منظور هایدگر از تکنولوژی مظاهر و ابزار تکنولوژی نیست، بلکه نوع هستی‌شناسی و تفکری است که به تکنولوژی قوام بخشیده است.

حقیقت زبان در نظر هایدگر باز کردن راه جدید اندیشه است. هایدگر تعبیر (Wegen) را به کار می‌برد که تعبیر دقیقی است. این لفظ در زبان آلمانی به معنای خاصی به کار می‌رود: «ایجاد راهی در برف برای اولین بار». به نظر هایدگر، زبان چنین شأنی دارد، گویا خطوط و شیارهایی را می‌گشاید که اندیشه جدید در آن اتفاق می‌افتد و رخ می‌دهد. زبان در حقیقت تلاش عقلانی مستمری است برای اینکه صوت به عبارت درآمده را قادر به بیان اندیشه سازد.^۱ در اینجا دیگر زبان در خدمت تفکر نیست، بلکه تفکر در خدمت زبان است و همه این‌ها در حالی است که تکنولوژی یک تفکر تک‌شیاری و تک‌بُعدی است.

این نوع تبیین هایدگر از زبان زمانی جالب توجه خواهد بود که ببینیم هایدگر مفاهیمی مانند انکشاف، تقدیر، اعطا، خطر و رخداد را، که در بحث از تکنولوژی مطرح کرده، در صحبت از زبان هم طرح می‌کند و نگاه هستی‌شناسانه‌ای که در تحلیل تکنولوژی به کار می‌برد را در زبان هم دنبال می‌کند و از اینجا است که می‌توان پیوندهای زبان و تکنولوژی را به نظاره نشست.

بر این اساس، در تحلیل وضعیت تکنولوژیک انسان امروزی ضروری است که به رابطه کلمات و تفکر توجه شود تا زبان بتواند چنین نسبتی را با تفکر برقرار کند. همان نسبتی که هرچه عصر تکنولوژی به پیش رفته، کمتر مورد توجه قرار گرفته و تنها در برهه محدودی از دوره پیش‌سقراطیان مورد توجه بوده است. البته روشن است که با این اوصاف دیگر حقیقت زبان مجموعه‌ای از کلمات نیست و اصلاً خود امری زبانی نیست.

راه ورود هایدگر به بحث از نسبت زبان و تکنولوژی توجه به پایه‌های علوم، به ویژه علوم جدید، است. علوم جدید که بر مبنای تفکر تکنولوژیک استوار است،^۲ ابزارها و روش‌هایی را

1. See: Heidegger, 1971: 118.

۲. هایدگر در بیان نسبت میان علم و تکنولوژی، برخلاف تصور غالب، تکنولوژی را مقدم بر علم جدید می‌داند (نک: مقاله آیدی در فلسفه تکنولوژی، اعتماد).

برای خود برگزیده که زبان را به حاشیه رانده‌اند. در این شرایط، زبان و جایگاهی که در علم پیدا می‌کند تغییر یافته است. زبان علمی سقوط کرده و به شکل ابزاری درآمده و دیگر امری نیست که اندیشه را ایجاد می‌کند، بلکه صرفاً در حد ابزاری برای علم است. متافیزیک زبان را برحسب تفکری که نوعی فعالیت انسانی است، سامان می‌دهد و بر این اساس، زبان ابزاری برای دستیابی به اطلاعات درباره اشیا می‌شود و اساساً این نوع تفکر ابزاری به عنوان تفکر علمی شکل می‌گیرد؛^۱ این همان زبان تکنولوژیکی است.

شاید مهم‌ترین عاملی که به نحو روشن‌تری بتواند در وضعیت فعلی مورد توجه قرار گیرد، زبان تفکر نظری و علمی باشد. اندیشه و تفکر با بازنمودها و گزاره‌های تئوریک و علمی - طبیعی، به تحلیل رفته است. آن‌ها به اشیا و صرفاً به اشیا رجوع دارند. زبان به عنوان ابزار شناخت علمی - تکنولوژیکی باید موضوعات خود را به صورت محاسبه‌پذیر (Gegenstand) تأسیس کند^۲ و همین انحراف از تفکر اصیل و در تعامل متقابل با آن، خروج زبان از موقعیت صحیحش رابطه‌ای مغشوش و بغرنج را برای زبان در عصر تکنولوژی رقم زده است.

هایدگر معتقد است که زبان همچون تکنولوژی نوعی خطر است، در حالی که علوم جدید از این خطر غافل می‌شوند؛ چراکه در پی دستیابی به قوانین عامی هستند که موجوداتی را که از بستر روزمرگی جدا شده‌اند، شامل شوند؛ به همین جهت زبان آن‌ها باید صوری باشد. زبان صوری و ایدئال یک علم عبارت است از سلسله‌ای از علائم تفسیر نشده که مطابق با حالات امور جهان باشند، در حالی که مهم‌ترین تهدید برای زبان که آن را از اصل خود، یعنی سخن از هستی و گشودن راه‌های تفکر، دور می‌کند همین قواعد عام زبانی است. به باور هایدگر، کوشش برای استفاده مراقبت‌شده از زبان را نباید دلیل از سر گذراندن خطر ذاتی زبان بدانیم. حتی این‌گونه استفاده مراقبت‌شده از زبان می‌تواند دلیل آن باشد که ما اصلاً خطر را نمی‌بینیم و نمی‌توانیم ببینیم. روشن است که چنین خطری ناشی از ذات هستی است و هیچ‌گاه نمی‌توان عنصر خطر را از ذات هستی دور کرد؛ پس زبان ملازم همیشگی این خطر کردن است.

1. See: Heidegger, 1968: 128.

2. See: Gregory, 1988.

زبان و نسبت آن با تکنولوژی در فلسفه هایدرگر / موسوی مهر ۲۰۱

با این بیان روشن می‌شود که ساختار ایزکتیو نظریه‌پردازی علمی اصلاً نمی‌تواند غنای ماهوی در بطن زبان طبیعی را دریابد؛ چراکه نمی‌توان زبان را به معنایی که گذشت، کاملاً با درک علمی - فنی زبان به دست آورد. اگرچه این ساختار حیث نظری زبان را ظاهر و آشکار می‌کند، کاربردهای بی‌شمار آن را نادیده می‌گیرد و از کارکرد خود دور می‌کند. به همین جهت رهایی زبان از محدودیت‌های دستور زبان به منظور پیوند اصیل آن با اندیشه و شعر اهمیت می‌یابد.

زبان تکنولوژیک

در دوران تکنولوژی زده فعلی نه هستی به خوبی شناخته می‌شود و نه تفکر به نحو صحیح انجام می‌پذیرد؛ به همین دلیل، زبان شأن و جایگاه خود را به خوبی به دست نیاورده است. البته شاید بتوان ریشه مشکلات هستی و تفکر را از زبان دانست. به مقتضای فلسفه هایدرگر، باید همه این موارد را درهم تنیده و در تعامل متقابل با یکدیگر در نظر گرفت.

هایدرگر در بحث از تکنولوژی تأکید داشت که باید سعی کرد به ذات تکنولوژی دست یافت. وی در این جهت، ذات تکنولوژی را با مفهوم ابداعی گشتل (Geshtel) تبیین می‌کند که در بیان تکنولوژی هم آن را به معنای شیوه خاص انکشاف می‌آورد. او از زبان گشتل سخن به میان می‌آورد که مانع از تحقق رویداد (Ereignis) است. تفکر به شکل حسابگرانه و در چهارچوب تصرفات انسانی است. در اینجا دیگر زبان گشتل زبان اظهار و انکشاف نیست، بلکه زبان مبادله اطلاعات است.

بر این اساس، شاید به تعبیری بتوان از زبان تکنولوژیکی سخن گفت. هایدرگر با بیانی ساده این گونه توضیح می‌دهد که منظور از زبان تکنولوژیکی زبان است که به نحو تکنیکی بیشترین غرابت را با آنچه تکنیکی است داشته باشد که همان چهارچوب بندی (Enframing) است در توضیح این نکته باید گفت که با پیدایش تفکر تکنیکی، زبان متناسب با آن نیز پیدا می‌شود و زبان به ابزاری برای این گونه تفکر مبدل می‌شود. این زبان نفوذ خود را تا آنجا پیش می‌برد که ابزاری برای آن روش از تفکر ایجاد کند. به نظر هایدرگر، هنگامی که این نوع از زبان و این نحوه صحبت کردن در زبان آشکار شود، ما را تا به نزدیکی صحبت نکردن و بیان ناپذیری پیش می‌برد.

گشتل برای گنجاندن همه چیز در چهارچوب خود، زبان رسمی و صوری را در اختیار می‌گیرد

و انسان‌ها را به صورت یکپارچه و متناسب با جهان تکنولوژیک شکل می‌دهد. اتفاق یا به قولی، بلایی که تکنیک بر سر زبان می‌آورد این است که زبان حکم خود را بر گفتن - نشان دادن (Saing-Showing)، به عنوان زبانی که در تکنولوژی آشکار شده است، تحمیل می‌کند و در نتیجه ذات تکنولوژی بر ذات زبان غالب می‌آید. به این ترتیب، سیطره تکنیک بر زبان نیز توسعه می‌یابد و زبان از اریکه گشاینده هستی به ابزار شدن برای اهداف تکنولوژیک فرو می‌افتد. در این صورت است که زبان می‌خواهد همه چیز را به علامت‌ها تحلیل کند. این مسئله می‌تواند تا جایی پیش رود که کسی مانند نوربرت واینر (Norbert Wiener) مدعی شود که زبان اساساً همان چیزی است که انسان در ارتباط با ماشین‌ها به آن دست می‌یابد.

با این سازکار هایدگر از «ماشین زبان» (Sprach Maschine / Language Machine) سخن می‌گوید که تکنولوژی مدرن با آن زبان را کنترل می‌کند. این ماشین زبان تفکر را به یک «مغز الکترونیکی» (Electronic Brain) مبدل می‌کند که کارش محاسبه‌گری است و ترجمه‌گری زبان جایگزین عناصر زبانی می‌شود. باید توجه داشت که منظور از ماشین زبان رایانه‌ها و وسایل الکترونیکی نیستند، بلکه منظور ساختاری است که زبان را دگرگون می‌کند. در این شرایط، تکنولوژی مدرن وضعیت و جهان زبان را کنترل می‌کند؛ گویا کارکرد زبان همچون یک ماشین است. ماشین زبان در حقیقت مجموعه‌ای تکنیکی از ماشین‌های محاسبه و ترجمه است.^۱ وضعیت تکنیکی گویا زبان را در سطح ابزاری محاسباتی تنزل داده است و به اصطلاح امروزی، زبان به نرم‌افزاری برای تکنولوژی مبدل می‌شود. هایدگر برای نمونه به نقش زبان در «موس» اشاره می‌کند. ماشین زبان در زبان موس همه چیز را کدگذاری و کدبندی می‌کند. در این فرایند برای اینکه تفکر تکنولوژی حاکم است، ماشین زبان کمک می‌کند که عناصر زبانی از جهان خود دور و خارج شوند تا اینکه پیام بتواند سریع‌تر به مقصد برسد.

هایدگر به شدت نگران است که در عصر تکنولوژی، تفکر و زبان ابژه‌ساز به تمام شئون زندگی بشر سرایت کند و نتایج آن در درجه اول دامن زبان و تفکر را بگیرد. این بزرگ‌ترین شری است که تکنیک می‌تواند بر سر ما بیاورد و طبق بیان هایدگر، خطر این مسئله از بمب اتم هم بیشتر است.

1. See: Gregory, 1988.

زبان و نسبت آن با تکنولوژی در فلسفه هایدگر / موسوی مهر ۲۰۳

نکته قابل توجه دیگر در اندیشه هایدگر این است که زبان امری انسانی نیست، بلکه این انسان است که در نسبت با زبان انسان می‌شود و با زبان است که انسان امکانات خود را بازمی‌یابد؛ چراکه اگرچه امروزه جوهره تکنولوژی همان صورت‌بندی (Enframing) است و جوهره زبان هم به شکل ابزار «گفتن و نشان دادن» (Saying-Showing) درآمده است، حقیقت زبان جز این است. زبان خادم انسان نیست، بلکه این انسان است که باید خادم زبان باشد.

هایدگر به وضعیت فعلی زبان و امکان نجات زبان از سیطره تکنولوژی خوش بین نیست، اما به کلی ناامید هم نیست. به نظر او، باید نسبت خودمان با زبان را از نسبت تکنولوژیکی خارج کنیم و رویکردی طبیعی به زبان اتخاذ کنیم. رویکرد طبیعی به زبان توجه به زبان فویز است، یعنی زبان را گشایشگر هستی در نظر بگیریم، نه ابزار. برای این منظور باید از طریق خود زبان به ذات زبان دست یافت. روشن است که در نظر هایدگر این رویکرد، رویکردی شعری خواهد بود. شعر، بر خلاف تکنولوژی، اشیا را به قصد غلبه و کنترل یا تحت فرمول درآوردن نمی‌بیند و در پی درهم‌ریختن نظام اشیا نیست، بلکه اجازه می‌دهد اشیا خود را آن‌گونه که هستند عرضه کنند.

هایدگر با وجود ناامیدی از وضعیت فعلی زبان، با بیانی روشن‌تر و طریقی عینی‌تر راه مناسبی پیش رو می‌گذارد. به باور او، می‌توان با «تجربه هرمنوتیک زبان» با زبان هم‌دل شد. در این تجربه اندیشه نمی‌کوشد به «زبان» دست یابد، بلکه می‌گذارد تا زبان «خودش صحبت کند». هایدگر درصدد است تا افق درک و فهم را از طریق کارکرد درونی زبان بگستراند. وقتی از زبان سخن می‌گوییم به نظر می‌رسد که درباره زبان سخن می‌گوییم، در حالی که در واقع گذاشته‌ایم زبان - از درون خود زبان - با ما به زبان خویش سخن گوید؛ گذاشته‌ایم زبان ذات خود را فاش کند. فلسفه، این تجربه هرمنوتیکی - نظری زبان را در خود تجربه می‌کند و افقی را در برابر ما می‌گشاید.^۱

البته شایسته ذکر است که به هر حال حتی اگر متفکر و اندیشمند بتواند چنین تجربه هرمنوتیکی در زبان داشته باشد، آنچه در گستره عمومی در جریان است با این وضعیت تفاوت دارد. در گستره عمومی، زبان در خدمت نقش واسطه‌گرانه شیوه مرادده قرار می‌گیرد که بر اثر آن‌ها شیء شدن، به مثابه دسترسی‌پذیری یکنواخت همه چیز برای همه کس، قادر است بی‌اعتنا به هر

۱. نک: هایدگر، ۱۳۷۸: ۳۶۹.

مرزی گسترش یابد. به این ترتیب، زبان به زیر دیکتاتور قلمرو عمومی می‌افتد. این قلمرو پیشاپیش تصمیم می‌گیرد که چه چیزی قابل‌درک است و چه چیزی باید غیر قابل‌درک دانسته و دور انداخته شود.^۱ این شرایط باعث می‌شود که زبان نتواند رسالت اصلی خود را دنبال کند و زمینه‌های تفکر تکنیکی را هر چه بیشتر فراهم می‌آورد و زبان را گرفتار تکنیک می‌کند. با این حساب با زبان چه باید کرد؟

هایدگر در مقام پاسخ به شیوه مواجهه با زبان، به‌ویژه در عصر تکنولوژیک، تقریباً همان نحوه سلوک با تکنولوژی را توصیه می‌کند. به زبان تکنولوژیک، هم باید آری گفت و هم نه؛ باید به زبان طبیعی (Sprache Uberlieferte) و زبان سنتی (Traditional Language) آری گفت. این زبان تاریخمند، اصیل و امری مقدر است و هستی در آن «رخ» می‌دهد. این زبان ماندگار و ناگفته است و از امکانات زبان محافظت می‌کند. در مقابل، زبان منفی همان زبان تکنولوژی است که زبانی منطقی، گرفتار در روزمرگی و در زیر دیکتاتور عمومی و علوم طبیعی است؛ کارش فراهم آوردن نشانه‌ها است و او است که امر معقول و نامعقول را مشخص می‌کند. می‌توان گفت پیشنهاد مشخص هایدگر رها کردن زبان آموزشی (Education) و توجه بیشتر به زبان مادری (Mother Tongue) است.

نتیجه

زبان به معنای وسیع کلمه نه فقط زبان گفتاری و نوشتاری است، بلکه به منزله مفصل‌بندی گشوده هستی است. در نظر هایدگر، زبان فقط تعبیر لفظی یا کتبی آنچه باید از آن آگاهی داد، نیست، بلکه زبان، موجود را چون موجود به گشودگی می‌آورد و هر جا که ذات یک زبان در تحقق نیست، گشودگی هم در کار نیست؛ بنابراین زبان گشاینده هستی است. اما در دوران اخیر که دوران دوری از هستی اصیل است، به‌نوعی جدایی از زبان اصیل نیز واقع شده است. در اینجا نقش تکنیک نمودار می‌شود. تکنیک در حقیقت هم هستی را به عقب نشانده، هم تفکر را تک‌بُعدی کرده و هم زبان را از کار انداخته است. بر این اساس، دیدگاه هایدگر در باب نسبت

۱. نک: هایدگر، ۱۳۸۸: ۲۸۵؛ Heidegger, 1993a: 221.

زبان و نسبت آن با تکنولوژی در فلسفه هایدگر / موسوی مهر ۲۰۵

زبان و تکنولوژی دارای این ویژگی‌ها است:

۱. پس از استیلائی تفکر تکنیکی که با پیدایش متافیزیک شروع شد، زبان به اسارت دستور زبان درآمد. همان‌طور که تفکر بر خشکی افتاده و به متافیزیک تبدیل شده، زبان نیز خشک و بایر شده و به دستور زبان تبدیل شده است. زبان در سیر رو به ضعف خود به شکل وسیله‌ای برای فراهم کردن راه‌های تبادل و ابزاری برای تسلط بر موجودات درآمده است. در واقع، زبان که باید خود تفکر را بسراید، به ابزاری برای تکنیک تبدیل شده است.

۲. زبان در دوران معاصر به زیر دیکتاتوری تفکر آماری رفته است. این قلمرو پیشاپیش تصمیم می‌گیرد که چه چیزی قابل درک است و چه چیزی باید به عنوان غیر قابل درک دور انداخته شود. این شرایط باعث می‌شود که زبان نتواند رسالت اصلی خود را دنبال کند و زمینه‌های تفکر تکنیکی را فراهم می‌آورد و زبان را گرفتار تکنیک می‌کند. دیگر زبان، زبان تکنیکی است. در زبان تکنیکی، زبان را از حیث فایده‌اش برای خودمان می‌سنجیم و ماهیت تکنیک، زبان را به صرف اطلاعات مبدل می‌کند.

۳. چنین نگاهی به زبان که در جهت تحلیل نقش تکنولوژیک زبان در دنیای معاصر است، جایگاه هایدگر را در مباحث فلسفه زبان در حد یک فیلسوف و صاحب‌نظر برجسته زبان مطرح می‌کند. البته روشن است که توجه او به زبان و ویژگی‌های آن از توجه او به هستی‌نشئت می‌گیرد؛ اما به هر حال در آسیب‌شناسی زبان بسیاری از مباحث تکنیکی هایدگر به شناخت معضلات زبان کمک می‌کند.

۴. هایدگر معتقد است که در علم، ناگزیر با زبان تمثیل و تعبیرهایی سخن می‌گوییم که منظورمان را درست بیان نمی‌کند و گاه نیز نمی‌توانیم از چنگ تناقض بگریزیم. در فهم این نکته اگر به ذات زبان توجه شود و اینکه در اندیشه هایدگر چه نسبتی میان زبان و حقیقت وجود دارد، مسئله روشن خواهد شد، به‌ویژه اینکه اساساً کاربرد درست زبان در شاعری محقق می‌شود و او مرز مشخصی را میان سخن گفتن به زبان شاعری و وراجی کردن در نظر دارد. با وجود این، به نظر می‌رسد اگرچه هایدگر ملاک شاعری را بسیار توضیح داده

۲۰۶ هستی و شناخت / سال ۶ / شماره ۱ / پیاپی ۱۱ / صص ۱۹۱-۲۰۸

و با توضیحاتش ابعاد ناگفته‌ای از زبان را روشن کرده، این توضیحات هنوز ابهام اصلی درباره گشایش هستی با زبان شاعری را برطرف نکرده است؛ به عبارت دیگر، روشن نیست که شاعری چگونه می‌تواند هستی را بگشاید.

۵. هایدگر روش خودش در به‌کارگیری زبان را روش صحیح کاربرد زبان معرفی می‌کند؛ اما به نظر می‌رسد که در مواجهه با نظرات دیگران درباره زبان تا حدودی از مسیر انصاف خارج شده باشد. ممکن است بتوان بخشی از تاریخ تفکر را محکوم کرد که کاربرد زبان را به لفاظی تقلیل داده‌اند؛ اما افراد و تفکرات زیادی هستند که در دوره‌های گوناگون هم‌نوا با هایدگر کمر همت به اصلاح زبان بسته‌اند. این امر اتفاقاً در دوران اخیر و معاصر بیشتر مشاهده می‌شود. انصاف این است که نمی‌توان منکر نگاه‌های ظریف و موشکافانه‌ای از قبیل ویتگنشتاین بود که امروز به زبان داشته و چه بسا بتوان برخی از آرای ویتگنشتاین و هایدگر را هم‌گرا دانست.

زبان و نسبت آن با تکنولوژی در فلسفه هایدگر / موسوی مهر ۲۰۷

کتاب‌نامه

الف- فارسی

- آیدی، دون (۱۳۸۶)، تقدم وجودی و تاریخی تکنولوژی بر علم، در فلسفه تکنولوژی، ترجمه شاپور اعتماد، تهران: نشر مرکز.
- خاتمی، محمود (۱۳۸۱)، مجله فرهنگ، شماره ۴۱ و ۴۲، بهار و تابستان ۱۳۸۱.
- هایدگر (۱۳۷۵)، پرسشی در باب تکنولوژی، ترجمه محمدرضا اسدی، تهران: مؤسسه فرهنگی اندیشه.
- هایدگر (۱۳۷۸)، به چه کار آیند شاعران، در راه‌های جنگلی، ترجمه منوچهر اسدی، تهران: انتشارات دُرَج.
- هایدگر (۱۳۸۳)، متافیزیک چیست؟، ترجمه سیاوش جمادی، تهران: انتشارات ققنوس.
- هایدگر (۱۳۸۵)، سرآغاز کار هنری، ترجمه پرویز ضیاء شهابی، تهران: انتشارات هرمس.
- هایدگر (۱۳۸۸)، نامه‌ای در باب انسان‌گرایی، از مدرنیسم تا پست‌مدرنیسم، ترجمه عبدالکریم رشیدیان، تهران: نشر نی.
- هایدگر (۱۳۸۹)، زبان در شعر، زبان و اندیشه رهایی، ترجمه عباس منوچهری، تهران: انتشارات مولی.

ب- انگلیسی

- Heidegger, Martin (1977). "The Turning", In *The Question Concerning Technology and Other Essays*, Translated by William Lovitt, New York: Harper and Row Publishers.
- Heidegger, Martin (1993a). "Letter on Humanism", In *Basic Writings: from Being and Time (1927) to the Task of Thinking (1964)*, Edited by David Farrell, Krell, London: Routledge.
- Heidegger, Martin (1993b). "The Origin of the Work of Art", In *Basic Writings: from Being and Time (1927) to the Task of Thinking (1964)*, Edited by David Farrell, Krell, London: Routledge.
- Heidegger, Martin (1993c). "The Question Concerning Technology", In *Basic Writings: from Being and Time (1927) to the Task of Thinking (1964)*,

Edited by David Farrell, London: Routledge.

- Heidegger, Martin (1993d). "What calls for Thinking?", In *Basic Writings: from Being and Time (1927) to the Task of Thinking (1964)*, Edited by David Farrell, Krell, London: Routledge.
- Heidegger, Martin (1998). "Traditional Language and Technological Language", trans. W. Torres Gregory, forthcoming in the *Journal of Philosophical Research*.
- Gregory, Wanda Torres (1998). *Heidegger on Traditional Language and Technological Language, Preferred Citation: Heidegger*, (ed) Charles Guignon, New York: Cambridge University Press.